

◊ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال دوم، شماره ششم، زمستان ۱۳۸۹

صفحات: ۲۴-۹

تاریخ وصول: ۱۳۸۹/۱۱/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۶/۲۹

زن از دیدگاه «می زیاده»

رمضان رضائی *

الناز امیری **

پری ناز علی اکبری ***

چکیده

بسیاری از پیشرفت‌های اجتماعی جوامع عربی در حال حاضر مدیون متفکران و روشنفکرانی است که در قرن‌های اخیر زندگی می‌کردند. آنها با توجه به اطلاعی که از جهان غرب در زمینه مسائل اجتماعی بدست آورده بودند با مسائل اجتماعی جوامع مذهبی و سنتی خویش در آمیخته و خواستار اعمال آنها در جامعه خود شدند. از جمله آن مسائل اجتماعی، مسأله زن و مطالبات زنان بود. در میان روشنفکران عرب، شاعر و نویسنده وجود داشت. زنان نیز در میان آنها حضور داشتند. اما در این میان چیزی که در خور توجه است این بود که مسائل زنان از زبان یک زن طرح می‌شد. پس چه کسی می‌تواند در آن دوران بهتر از «می زیاده» باشد که دیدگاه‌های اعتدال گونه اش معروف است؛ لذا بررسی آن اندیشه‌ها نیز در نوع خود از اهمیت برخوردار است. می زیاده زنی بود که به مسائل مختلف اجتماعی با عینک یک مصلح اجتماعی نگاه می‌کرد و زن را به عنوان یک زن در نظر می‌گرفت لذا بسیاری از دیدگاه‌های وی در این زمینه از دایره عقل بیرون نرفته و به وادی احساسات وارد نشده است. این مقاله به تبیین دیدگاه‌های «می زیاده» در مورد زن با شیوه تحلیل محتوایی پردازد.

کلید واژگان: می زیاده، ادبیات معاصر، زن، فرهنگ عربی

* استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران. (نویسنده مسئول)

** گروه زبان عربی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران.

*** گروه زبان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران.

مقدمه

مسئله زنان همواره در تمامی جوامع بشری مورد توجه بوده و با توجه به شرایط جوامع از شدت یا ضعف برخوردار بوده است. در جوامع عربی نیز که یکی از جوامع بشری است با وجود اینکه از لحاظ تفکرات اجتماعی تفاوت زیادی در بین آنها وجود دارد اما مسئله زنان دور از توجه نبوده است. در کشورهای عربی چیزی که به عنوان حقوق زن مطرح بوده مسیر پر فراز و نشیبی را طی کرده است. در این میان در اوایل قرن بیست در حالی زنان در کشورهای غربی از بسیاری از حقوق برخوردار بودند، که در جهان عرب، همجنسان آنها وضعیت اسفباری داشتند و در بدترین وضعیت اجتماعی و فرهنگی به سر می بردند. در این اوضاع و احوال اصلاح طلبان جوامع عربی به پاخواستند. آنها وقتی که به مقایسه جوامع خود با جوامع غربی می پرداختند به این نقیصه بزرگ که زنان در جامعه آنها به عنوان عنصر مهمی تلقی نمی شود، پی بردند. لذا این روشنفکران با اقدامات خود تلاش می کردند تا زنان جامعه به حقوق واقعی خود دست یابند.

به طور کلی می توان تلاش های اصلاح گرایان جوامع عربی را در چهار مرحله خلاصه کرد. مرحله نخست مرحله نهضت است. این دوره هر چند که نسبت به دوره معاصر فاصله بیشتری دارد، اما یکی از مسائل مهم زنان که تعلیم زنان بود در این دوره توسط کسانی چون بطرس بستانی، احمد فارس شدیاق (فارس الشدیاق، بدون تاریخ) و رفاعه طهطاوی (الطهطاوی، ۱۹۷۳) مطرح شد. اما اندیشه های جمال الدین اسد آبادی و شیخ محمد عبده (عبده، ۱۹۷۲) که از تجدید گرایان بودند برای به وجود آمدن حرکت های آزادی خواهی زنان بیشتر دامن زد. مرحله دوم این حرکت با قاسم امین (امین، ۱۹۷۶) آغاز می شود و به طور جدی به مسئله تساوی حقوق معتقد بود و مسئله زنان را به شکلی مطرح کرد که پیش از آن سابقه نداشت، افکار او در دو کتاب «آزادی زن» و «زن مدرن» باعث شد تا مخالفان و موافقان زیادی را پیدا کند و در ایجاد فضای اجتماعی بسیار مؤثر باشد. اساس این کتاب از دیدگاه غربی نسبت به زن ریشه می گرفت. کتاب زن مدرن باعث شد کسانی مثل جمیل صدقی زهاوی در عراق در اشعار خود به حقوق زنان پرداخته و زمینه طرح بسیاری از مسائل را ایجاد کند، وی مخصوصاً دو زمینه حجاب و آزادی زنان را بیشتر مورد توجه قرار داد. (نیازی، ۱۳۸۶؛ ۱۵۸) مرحله سوم که تقریباً از دهه بیست تا دهه پنجاه قرن بیست را شامل می شود از چند جهت مورد اهمیت است از یک طرف کشورهای ابر قدرت بر جوامع عربی حاکم شدند و برخی از آنها به ایجاد مدارس خاص در برخی کشورهای عربی اقدام کردند از طرف دیگر در این مرحله جنبش های زنان شکل واقعی و منسجم به خود می گیرد که به عنوان مثال اتحادیه زنان در مصر در سال ۱۹۲۳ و در لبنان در سال ۱۹۲۴ و در سوریه در سال ۱۹۲۸ تشکیل گردید را می توان نام برد (یاسین، ۱۹۹۸: ۸۳) در این مرحله فعالیت آزادی خواهی زنان از شدت زیادی برخوردار شد. شاید نویسنده مورد بحث ما (می زیاده) نیز در این مرحله قرار گیرد. در کنار او کسانی چون هدی شعراوی، طاهر حداد، سلامه موسی قرار دارند. هر چند که هیچ کدام از این ها در این زمینه به پای هدی شعراوی نمی رسند. اما مرحله چهارم با مسئله فلسطین پیوند خورده است در این دوره بیشتر نویسندگان به جای این که به مسائل مهر زنان پردازند به اشتغال زنان پرداختند شاید از نظر آنها پرداختن به مسائل زنان

آنها را از تمرکز برای مقابله با دشمن صهیونیستی باز می‌داشت. از نمایندگان این مرحله می‌توان به منیف الرزاز و نزار قبانی اشاره کرد. اما از سال ۱۹۷۵ که سال جهانی زنان نام گرفت که از آن زمان تاکنون به تعداد کسانی که در مورد زنان می‌نویسند و به طرح مسأله زن می‌پردازند افزوده شده است که اکثر آنها رازنان تشکیل می‌دهند. به گونه‌ای که می‌توان گفت اکنون در جوامع عربی زنان روشنفکر خود قلم به دست گرفته و به طرح مسائل خود می‌پردازند. با توجه به این که می‌زیاده یک زن بود. لذا این مقاله نیز سعی دارد به تبیین اندیشه‌های می‌زیاده درباره زن پردازد.

پرسش اصلی

«می‌زیاده» درباره زنان چه نظراتی را طرح کرده است؟

روش تحقیق

در این پژوهش کلیه آثار می‌زیاده جامعه آماری را تشکیل می‌دهند. با استفاده از روش کتابخانه‌ای - اسنادی جامعه آماری و منابع مورد مطالعه قرار گرفته و اطلاعات بدست آمده به شیوه تحلیلی و توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش

چیزی که ذکر آن در اینجا ضروری است این است که «می‌زیاده» در میان ایرانیان چندان شناخته شده نیست و حتی کسانی که مطالعات فمینیستی دارند و یا حوزه پژوهش آنها مسائل زنان است به می‌زیاده نپرداخته‌اند. از میان آثار وی تنها نامه‌های عاشقانه جبران خلیل جبران به می‌زیاده توسط فرزین هومان‌فر در سال ۱۳۸۰ به فارسی ترجمه شده است و دو مقاله نیز چاپ شده است که اولی با عنوان «می‌زیاده تبسمی بر چهره شرق عربی» نگارش فضل الله میر قادری در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز در شماره پائیز و زمستان ۱۳۸۱ می‌باشد که نگارنده مقاله بیشتر به جایگاه ادبی می‌زیاده پرداخته است و دومی با عنوان «می‌زیاده وجدان زنانه‌ی ادبیات عرب» که در مجله حقوق زنان شماره ۱۷ سال ۱۳۷۹ است و توسط حافظ نصیری به فارسی ترجمه شده است که در حد یک مقاله علمی نبوده و بیشتر به معرفی این نویسنده پرداخته است.

زندگی «می‌زیاده»

می‌زیاده در سال ۱۸۸۶ در ناصره از پدری لبنانی و مادری فلسطینی سوری تبار متولد شد (فتوح، ۱۹۹۴: ۱۷۱) وی تحصیلات خود را تا چهارده سالگی در ناصره به اتمام رسانید و سپس به همراه خانواده به لبنان رفت و در آنجا به مدرسه راهبه‌های عین‌طوره وارد شد (فاخوری، ۱۹۸۶، ۲۵۰) پدر می‌زیاده در مراکز آموزشی دولتی عهده‌دار تدریس بود. وقتی در مصر اداره مجله «المحروسة» را به عهده گرفت می‌زیاده به مصر برای ادامه تحصیلات فرهنگی و ادبی اش رفت و در همان جا به تدریس پرداخت و در کنار آن

دست به قلم گرفته و اشعار و نوشته‌های خود را در جراید منتشر می‌کرد. اما در نوشتن بیش از هر کسی باحثة‌البادیه در وی تاثیر گذاشت همان‌طور که در جنبش زنان مصر نیز باحثة‌البادیه نقش فراوانی داشت، لذا می‌توان گفت: «می زیاده در طلیعه کسانی بود که با تأسی از باحثة‌البادیه در روزنامه‌ها و مجلات به نوشتن پرداخته و با وی به نامه‌نگاری پرداخت (فتوح، ۱۹۹۴: ۱۶۸) از جمله افراد دیگری که در می تاثیر گذاشت جبران خلیل جبران بود که باعث پررنگ شدن روحیه‌ی رمانتیستی در می زیاده شد هر چند که هیچ وقت همدیگر را ملاقات نکرده بودند. ثمره مطالعات و مراسلات و پژوهش‌های «می زیاده» هفت اثر تألیفی و سه اثر ترجمه‌ای است (فاخوری، ۱۹۸۶، ۲۵۷) عیسی فتوح در کتاب خود نام هفده اثر از آثار می را نام برده است (فتوح، ۱۹۹۴: ۱۸۳) اما حجم عمده آثار وی را مسائل اجتماعی به ویژه مسائل زنان تشکیل داده است چرا که بزرگ‌ترین آرزوی او آزادی زنان از قید جهالت و بند بردگی است وی به نوشتن در مجلات و روزنامه‌ها و شرکت در جمعیت‌های زنان و برپایی مراسم ویژه و ایراد سخنرانی سعی داشت آرزوهای خود را جامه عمل پوشاند.

او با چشمان خود شاهد وضعیت نابسامان زنان در جوامع عربی بود. یوسف عزالدین ناقد عراقی درباره این وضعیت گوید: «جایگاه زنان در جامعه از معیارهای سنجش رشد فکری و فرهنگی آن جامعه محسوب می‌شود، با توجه به ناامنی‌های حاکم بر جامعه عراق، زنان در محیط خانه زندانی می‌شدند و تنها در روز و مشروط به همراهی با شخص دیگری اجازه خروج از منزل را داشتند. همچنین زن می بایست عباى بلندی که تمام بدن او را بپوشاند، بر تن می‌کرد و نیز مقنعه‌ای می‌زد که صورتش را کاملاً بپوشاند و با این اوصاف زنان همچنان حق رفت و آمد به اماکن عمومی مثل قهوه‌خانه را نداشتند. آنان همچنین حق تکلم با هیچ مردی به جز محارم را نداشتند و گاهی مردان چنان متعصبانه برخورد می‌کردند که تحت هیچ شرایطی به زنان شان اجازه خروج از منزل را نمی‌دادند و این را از مفاخر خود به شمار می‌آوردند و حتی از نام بردن مادر، همسر و یا خواهرشان در نزد مرد غریبه ابا می‌کردند» (عزالدین، ۱۳۷۹: ۲۱۱).

نقش زن در خانه

در تمامی جوامع بشری مادر از منزلت خاص و قداست ویژه‌ای برخوردار است اما در جوامع شرقی به ویژه اسلامی منزلت دو چندان می‌شود. در خانواده‌های سنتی اصولاً مادر نقش معمار را بر عهده دارد و بقا و دوام ساختمان خانواده بر وجود او وابسته است. می زیاده می‌گوید: زن تاثیر بسیاری در منزل دارد اگر زن صالح باشد می‌تواند سعادت خانواده را تامین کند پس زن صالح نعمت است و در غیر این صورت عامل سرنگونی بوده و باعث سقوط و غم و بدبختی می‌شود (توفیق زیدان، ۱۹۹۶: ۲۴۷).

«می»، تاثیر زن را در منزل در سه محور اساسی می‌داند: محور اول در تدبیر امور منزل و در تربیت، این موضوع از اهمیت زیادی برخوردار است و لازم است که در مدارس دخترانه دروسی خاص به آن اختصاص داده شود. اما مدارس شرقی از اهمیت این موضوع بی‌خبر و ناآگاهند. (توفیق زیدان، ۱۹۹۶: ۳۰۹).

محور دوم: تاثیر زن در اداره اقتصاد خانه و قوام بودجه و هزینه داخلی منزل است. وی در اهمیت این موضوع می گوید: زن باید به بودجه و هزینه داخلی خانه اش کاملاً مقید باشد چرا که عادتاً زنان ما به این امر مقید و پایبند نیستند (توفیق زیدان، ۱۹۹۶: ۳۱۰).

محور سوم: تاثیر گذاری حسی است می در این باره می گوید: خداوند بعد از آنکه جهان را با تمام زیبایی هایش آفرید، دید که این زیبایی کافی نیست و این زیبایی را واجب است که روحی رهبری کند پس روحش را در زمین دمید، خانه نیز چنین است هر چه قدر که مرتب و منظم باشد روح زیبایی در آن نباشد باز نقصان دارد. پس روح مهمترین چیز در آن است که زن دمنده آن است. وی زن صالح را در طراوت و صفا مثل درخت و واحه ی صحرا می داند (توفیق زیدان، ۱۹۹۶: ۳۱۱).

زن صالح عطر و جمال و عشق است بلکه تمام زندگی است. اما اگر صالح نباشد آتش است، تاثیر مرد نیز زیاد است اما زن مصدر و منبع همه نیکی ها و زیبایی هاست.

به نظر می، مادر بودن بالاترین قداست در زنان است و اگر حس مادری زن نبود در جهان اثری از تمدن و نوع انسانی نبود. (توفیق زیدان، ۱۹۹۶: ۳۱۱) این همان چیزی است که جامعه شناسان از جایگاه و وظیفه زن در خانه تعبیر می کند که می تواند انسان آرمانی جامعه شناسان را تربیت کند. اما تصویر آرمانی زن و مادری که در ذهن ما نقش بسته است مادر بودن را پیشه ای تمام وقت معرفی می کند. هویت اصلی زنان در مقام همسری و مادری است مشغولیتی که به آنان امکان می دهد نیازهای عاطفی خود را بر آورده کنند. اما فمینیست ها خاطر نشان کرده اند که این ایده آل از واقعیت فاصله ای بسیار دارد. مادری کردن کار دشواری است و کودکان به توجه و مراقبت دایم نیاز دارند (پاملا و والاس، ترجمه نجم عراقی، ۱۳۸۰: ۱۳۲) اما دیدگاه می زیاده هر گز فمینیستی نبوده بلکه وظیفه مادری را وظیفه انسانی - اخلاقی می داند و بر آن نیز تأکید می کند.

خوشی ها و لذت خانه در دست زن است. هر چند مرد نادرست و خطا کار بوده و دارای اشتباهاتی باشد اما اگر زن رشید و مخلص و نیک اندیش و مصلحت بین و عاقبت اندیش باشد خانواده را مفرح و آرام و راحت می سازد. اما اگر غیر از این باشد، بدبختی در منزل حتمی است هر چند که مرد عاقل و عالم بوده و فردی برجسته باشد. همان طور که زن از قدیم نگهبان آتش های مقدس بود الان نیز نگهبان آتش زندگی است، و در خانواده پرتو افشانی می کند لذا کار او فقط ارشاد و اداره نیست بلکه با تمامی اخلاق با همه آگاهی و عواطف و مهربانی هایش نگهبان آتش شعله زندگی بوده و مراقب آن است. (توفیق زیدان، ۱۹۹۶: ۲۴۹).

نقش زن در تربیت فرزندان

بسیاری از روشنفکران عرب در عهد نهضت آموزش، رازمینه ساز هر اقدام اصلاحی می دانستند. در این میان طهطاوی معتقد بود که عفت زنان به پوشاندن صورت یا باز گذاشتن آن ارتباط ندارد بلکه به تربیت آنها مرتبط است (الطهطاوی، ۱۹۷۳: ۱۰۱) البته برخی منظور از آموزش را آموزش خانه داری می دانستند نه روشنگری و آشنایی با حق و حقوق خود. در این باره در کتاب جامعه شناسی زنان چنین

آمده است: ما سعی داریم به دختران یاد بدهیم به مردان شبیه شوند و در نتیجه با اتلاف و سرکوب خصوصیات زنانه ایشان به جامعه خسارت عظیمی وارد می‌سازیم... دختران باید از آموزشی برخوردار شوند که علاوه بر رفع نیازهای فردی متناسب با کارکرد اصلی ایشان باشد یعنی بتوانند برای خود و فرزندان و همسرشان خانه ای امن و شایسته تدارک ببینند و مادر باشند (پاملا و والاس، ترجمه نجم عراقی، ۱۳۸۰: ۸۶) بدیهی است که آموزش مادران باعث ارتقا سطح اطلاعات آنها می‌شوند و آن نیز به نوبه خود در تربیت فرزندان موثر خواهد بود. می‌زیاده تربیت فرزندان را یکی از واجبات زن می‌داند و می‌گوید: بزرگترین افتخار مادر این است که ملکه و خدمتکار منزل باشد، همچنین مایه آرامش و تسکین مرد و قهرمان بزرگ او در سکوت و انزوایش باشد، چنین زنی کسی که در دامانش فرزندان و نسل‌ها را تربیت می‌کند و در بین دستانش ملت‌ها را بزرگ می‌کند و نسل‌ها را تهذیب می‌کند، پس زن باید بهترین مادر باشد (زیاده، و.، ۱۹۸۰: ۵۹).

دختری که در کنار جهل و غرور مادری جاهل و مغرور بزرگ می‌شود زمانی که خود خانه‌دار شد و ازدواج کرد و دارای فرزندی شد چگونه می‌تواند سرپرستی آنها را بر عهده گیرد و مشکل آنها را حل کند و به آنان راه سعادت و خوشبختی را نشان دهد. آنها را برای زندگی مناسب آماده کند زندگی ای که هم خود و هم دیگران از آن سود ببرند شکی نیست که این اولین دلیل بدبختی خانواده‌هاست. (زیاده، و.، ۱۹۸۰: ۷۱).

معمولاً طرز تفکر و تعقل مادر در چارچوب فکری کودک موثر است، لذا می‌زیاده نیز معتقد است: طرز تفکر و ذهنیتی که طفل با آن به دنیا می‌آید، بزرگ می‌شود و رشد می‌کند و چارچوب فکری که بدان عادت می‌کند، تفکرات مادرش است. (توفیق زیدان، ۱۹۹۶: ص ۳۱۶).

می‌زیاده مادر را به رسول عطوفت و مهربانی تشبیه می‌کند و از دیدن مادر سهل‌انگار و بی‌مبالات و بی‌توجه به درد می‌آید و سرزنش‌کنان او را مورد خطاب قرار داده و می‌گوید: از گردش‌ها و تفریحات و میهمانی‌های طولانی برگردد و از سخنان سبک‌دوری کن، و برای فرزندت مهربان باش و او را با عفو و بخشش و مهربانی خود حمایت کن. (الوادی، ۱۹۵۶: ۸۱).

وی درباره اهمیت دادن به خواسته معقول و منطقی کودک نیز اشاره کرده و یکی از آسیب‌های جامعه را عدم توجه به خواسته‌های بچه‌ها دانسته و وقت گذاشتن برای بچه‌ها یک ضرورت تلقی کرده و می‌گوید: مادران انگلیسی و آمریکایی بسیاری را می‌بینم که با کودکانشان در مغازه‌های لباس‌فروشی و ادوات مدرسه یا اسباب‌بازی همراه می‌شوند و وقت خود را با آنها می‌گذرانند و در انتخاب آنها را آزاد می‌گذارند، ضمن این که حدود اقتصادی را نیز به آنها یادآور می‌شوند، چه زیباست آن صحنه‌ای که فرزند، خود نیازمندی‌های خود را انتخاب می‌کند و مادر فقط از او سبب اختیارش را می‌پرسد و برای او تنها معایب و محاسن آن را با الفاظی مختصر بیان می‌کند و با متانتی کامل به او پاسخ می‌دهد و چه قدر فرق است بین این مادر رشید شرقی (خشن، بی‌ادب، بی‌فرهنگ، گستاخ و دهاتی) که بر بازوی فرزندش به شدت می‌زند و با صدایی خشن و ناهنجار و قبیح و عبوس به او می‌گوید: راه برو ای پدر سگ و فرزند با این اعتقاد بزرگ می‌شود که پدرش سگ است و مادرش نیز زن سگ، پس مادرش

نیز سگ می‌باشد، چگونه آن دست خشن می‌تواند روح و روان حساس و لطیف طفل را لمس کند. بسیاری از اوقات پدران و مادران فراموش می‌کنند که احترام، احترام می‌آورد و عشق، عشق را می‌طلبد و احترام فرزندان به آنها نتیجه رفتار خودشان با آنان است. (زیاده، ب.، ۱۹۸۳: ۷۰).

ظاهر زن از دیدگاه «می»

در فرهنگ عربی زنان به عنوان ضعیفه هائی به شمار می‌رفتند که نباید از خانه بیرون می‌شدند. شاید طرز پوشش آنها نیز در طی قرن های متمادی ریشه در همین موضوع دارد. «می زیاده» مثل بسیاری از اندیشمندان معاصر عرب، خود مخالف محبوس ماندن زن در خانه بود؛ همان طور که حافظ ابراهیم و قاسم امین و جمیل صدقی زهاوی نیز بر این باور پای می‌فشرده و به آزادی زن اعتقاد داشتند. البته بسیاری از این افراد ریشه این مسأله را در نوع پوشش و حجاب زن می‌دانستند و چه بسا از تفکرات غربی رایج در آن زمان تأثیر پذیرفته بودند. البته منظور آنها دقیقاً پوشش به سبک غربی نبود. می زیاده نیز همچون معاصران خود، مثل یک جامعه شناس و روان شناس تمامی جنبه های اجتماعی و روحی زنان را زیر ذره بین کنکاش قرار داده و به طرح مسأله پرداخته و راه حل نیز ارائه داده است. هر چند که او هیچ وقت مثل زنان غربی لباس نپوشید اما پوشش افراطی زنان عربی را نیز قبول نداشت. وی در مورد نحوه لباس پوشیدن زنان شرقی به ویژه عربی می‌گوید: اکثر زنان شرقی را می‌بینیم که بالباس های پاره و کثیف در منزل در نزد شوهر و فرزندان شان حاضر می‌شوند اما وقتی میهمانی برای او می‌آید یا خود به مهمانی می‌رود بهترین لباسهایش را می‌پوشد و بهترین آرایشها را می‌کند اگر زن از همان کودکی یاد بگیرد که زینتی معقول داشته باشد درک می‌کند که این زینت جزئی از جمالش است و آن را برای خودش انجام می‌دهد نه برای مردم، بنابراین این آرایش را برای میهمانی و میهمان نوازی نگه نمی‌دارد در حالی که سایر روزها در بدترین شکل و ژولیده و مشوش ظاهر می‌شود. (زیاده، ع.، ۱۹۸۳: ۱۶۸).

«می زیاده» زنی را که در زینت و آرایش خود افراط می‌کند بدون این که به واجباتش آگاه باشد سرزنش کرده و می‌گوید: من معتقدم که این طبیعت وجودی زن است که زیبا باشد همانطور که طبیعت وجودی آدمی نیز این است که باهوش و فعال باشد و همانطور که انسان هوش و ذکاوت خود را با معرفت و تجربه و آگاهی صیقل می‌دهد زن نیز جمال خود را با زینت و شیک بودن و کیاست و آراستگی صیقل می‌دهد زن برای خانه داری و کدبانو گری و مادر بودن و خانم مجلس و میهمانی و میزبانی در نظر گرفته شده و خلق شده است لذا نباید منزوی و گوشه گیر باشد عیب این نیست که زنان به زینت و آرایش میل داشته باشند بلکه زیاده روی در این کار عیب بزرگی است و افراط در ارضای این میل مشکل ساز است (زیاده، ع.، ۱۹۸۳: ۱۶۶).

«می» معتقد است که وقار زن و احترام مردم نسبت به او جز نتیجه حشمت و عفت و پاکدامنی او نیست وی می‌گوید: هر چند که قلبی عقیف و پاکیزه دارید اما وقتی که در خیابانها با این آرایشها و تزئینات جدید گام برمی‌دارید چگونه می‌خواهید که مردم نسبت به شما حسن ظن داشته باشند. (زیاده، س.، ۱۹۱۳: ۵۸).

«می» می گوید: زن باید گلی باشد که خارها او را احاطه کنند و آن خارها چیزی جز عفت و طهارت و پوشیدگی نیست. (زیاده، س.، ۱۹۱۳: ۶۰).

«می» می خواهد که زنان به ارزش وجودی خویش در منزل و جامعه آگاه و هوشیار باشند و می گوید: زنان بهتر است ابتدا متانت و پختگی و کمال را در آغوش کشند و سپس به نعمت خبرگی و درایت دست یابند. (الوادی، ۱۹۵۶: ۸۱)

«می زیاده» و آزادی زنان

هر وقت صحبت از آزادی زنان می شود این سوال به ذهن متبادر می شود که آزادی در چه جنبه ای مورد نظر است آیا منظور آزادی فکری و آزادی بیان است و یا آزادی دینی مد نظر است؟ هر کسی در جوامع عربی با در نظر گرفتن یکی از این جوانب به بررسی موضوع پرداخته است. اما آنچه در این جا مهم است ریشه این تفکرات است که در جوامع عربی به زمان حمله ناپلئون بناپارت به مصر بر می گردد، این حمله اثرات زیادی در مصر داشت از این زمان به بعد مقدمات اولیه آزادی زنان فراهم آمد. این بحث آن قدر جدی بود که کسانی مثل قاسم امین در سال ۱۸۹۹ کتاب «تحریر المرأة» (آزادی زنان) را منتشر کرد به دنبال آن به انتشار کتاب «المرأة الجديدة» (زن مدرن) پرداخت. امروزه نیز بسیاری از تجدد گرایان اسلامی به نظرات وی در این کتاب ها استناد می کنند. (پزشکی، ۱۳۸۴: ۸۰). ریشه دیگر مسأله آزادی زنان به دختران طبقه مرفه جوامع عربی بر می گردد آنها ضمن این که در جوامع غربی به ادامه تحصیل پرداختند در کنار آن، وضعیت زنان جوامع خود را با همجنسان غربی خود مقایسه کرده و فرق فاحش آن را ملاحظه کردند و لذا در صدد معالجه بر آمدند. در این میان دیدگاههای «می زیاده» در این زمینه از اهمیت زیادی برخوردار است هم از آن جهت که خود یک زن است و هم از این لحاظ که دیدگاه افراطی ندارد.

«می زیاده» طالب آزادی زن و انصاف به زن و نیک اندیشی و مصلحت بینی به زنان است. وی وقتی نهیب می زند که زن باید آزاد باشد از حد عقل و منطق خارج نمی شود و خواستار آزادی زن در سایه علم و خویشتن داری است. وی از نهضت زنان فهمی صحیح دارد در این زمینه از فرهنگ غربی و اروپایی که در طول سفرهای متعدد خود به کشورهای اروپایی کسب کرده اطاعت نمی کند مگر زمانی که بر فهم این نهضت بیفزاید. حنا الفاخوری در کتاب تاریخ الادب العربی الحدیث به نقل از «می زیاده» می گوید: زنانگی شریفترین و بزرگترین نعمتی است که به طبیعت زن بخشیده شده است اگر بخواهد که از آن فاصله گیرد و جدا شود و از دایره و حدود خویش خارج شود همه چیز زیان می بیند و در خسران می افتد و حیاتش مضطرب می شود و از هدفی که به خاطر آن خلق شده است دور می شود، وی می گوید ما نیاز شدیدی به زنانی داریم که در آن نبوغ مردان آشکار شود بدون اینکه صفات زیبای زنانگی خود از قبیل لطف و عاطفه و شیرینی خلق و رقت و استقامت و اخلاص را از دست بدهد. (الفاخوری، ۱۹۸۶: ۲۶۱-۲۶۰).

نشر فرهنگ اجتماعی و تکوین ضمیر اجتماعی بر زن واجب است، زن کسی است که زحمت بزرگ

کردن فرزندان بر عهده اوست و مرد تهذیب کننده آنهاست. زن همان کسی است که به وجود آورنده روح در منزل و در جامعه می باشد. فضائل اجتماعی از لطف و گذشت و لیاقت و نرمی و صبر و ادب و نیک رفتاری و دلسوزی و مهربانی او سرچشمه می گیرد. او خالق حس قهرمانی در مردان است. پس ای مردان با فرهنگ، با آزادی زنان مخالفت نکنید او نیز مانند شما خوش نیت است و به مثل اعلی چشم دوخته است در جستجوی چیزهای جدیدی است تا به وسیله آنها به اهداف والا و ارزشمند خود دست یابد. در این چند سال اخیر که زن به آزادی اندکی دست یافته و اندکی نیز با دانش و فرهنگ آشنا شده بنگرید که چگونه مواهب و استعدادهایش شکوفا شده و شخصیتش در این زمان کوتاه، متحول شده است. او را رها کنید تا وجودش را بشناسد و به او اعتماد کنید چرا که او آمال و آرزوهای شما را هرگز به باد نمی دهد. (زیاده، ک.، ۱۹۸۳: ج ۲، ۱۸۱).

آزادی زن قوام نهضت خانوادگی است یکی از شادی های بزرگ ما دستیابی به موفقیت با زنان و پیروزی زنان است. (زیاده، ک.، ۱۹۸۳: ج ۲، ص ۲۲).

ای مردان، زمانی که به منازل خود باز می گردید به زنان خود بنگرید در محیط و در اطرافتان و به زنان تحت نفوذتان به مادر و همسر و خواهرت نگاهی تازه بینداز نگاه کن که چگونه او را از واجباتش منع کردی و در حق او اهمال کردی. (زیاده، ک.، ۱۹۸۳: ج ۲، ۲۳).

حق آن است که در حق مظلوم انصاف شود چه زن و چه مرد؛ نیکو آن است که قاضی عادل احکامی را به انصاف صادر کند و به صاحب حق، حقش را عطا کند. (توفیق زیدان، ۱۹۹۶: ۳۹۳).

مرد در حق زن ظلم می کند اما واقعاً قصد ظلم کردن به زن را ندارد بلکه در محاسباتش دچار اشتباه بزرگی است. اما زن برای او آرزوی سعادت دارد و می خواهد در کنارش باشد و او را یاری کند نه اینکه غریبه ای باشد که بخواهد او را سرکوب کند. (زیاده، ب.، ۱۹۸۳: ۱۴۲).

برابری حقوق زن و مرد از نظر «می زیاده»

اگر مسأله آزادی زنان به دوره معاصر بر می گردد مسأله برابری حقوق زن و مرد قدمتی طولانی دارد و شاید ریشه آن اجحافی بوده که در حق زنان روا داشته شده و تفکراتی بوده که در مورد زنان وجود داشته است. قاسم امین در کتاب خود به برخی از این باورها اشاره می کند، یکی از این باورها این است: مرگ زن بهتر از زندگی اوست. همان طور که شاعر گفته است:

تهوی حیاتی و أهوی موتها شفقاً و الموت أكرم نزال علی الحرم

شاعر در این بیت به این نکته اشاره دارد زن همواره زنده ماندن مرد را می خواهد و مرد از روی شفقت مرگ او را طلب می کند و در واقع مرگ عزیزترین چیزی است که برای اهل حرم آرزو می شود. و شاعری دیگر گوید:

من غایه المجد و المکرمات بقاء البنین و موت البنات

معنای بیت به این مطلب اشاره دارد که بالاترین مجد و عظمت زنده ماندن پسران و مرگ دختران است.

همه اینها زایده تفکر سنتی و میراث موجود درباره زن است (امین، بی تا: ۷۲) قاسم امین معتقد است در عدم تساوی زن و مرد نه طبیعت مقصر است و نه ماهیت زن بودن و نه اسلام بلکه استبداد در این زمینه نقش اصلی را بازی کرده است. وی عدم استقلال اقتصادی را نیز عامل تشدید کننده این مسأله می داند (امین، بی تا: ۷۳) در عراق نیز جمیل صدقی زهاوی اشعار زیادی را در دفاع زنان به چاپ رساند و در آن به برابری زن با مرد فرا خواند و خواهان اعطای حق طلاق به زنان مثل مردان بود. از جمله برابری ها، تساوی در آموزش است که حتی در جوامع غربی در اوائل قرن بیست نیز وضع به همین شکل بوده است (پاملا و والاس، ترجمه نجم عراقی، ۱۳۸۰: ۸۶) در حالی تبعیض در آموزش با توجه به این که تأثیر تفاوت های طبیعی دختران و پسران در آموزش بسیار ناچیز است، امری پسندیده نیست و ریشه در افراط گری دارد.

انما المرأة والمرء سوا في الجدارة علموا المرأة فالمرأة عنوان الحضارة

شاعر نیز در این بیت بر این نکته تأکید دارد که زن و مرد در ارزش های انسانی یکسان هستند پس در آموزش آنان جدیت به خرج دهید چرا که اساس تمدن و پیشرفت زنانند.

«می زیاده» معتقد است: زن در برابر مرد ظالم، مظلوم و مطیع است. او ستم دیده و حقوقش از بین رفته و تحت فشار و در رنج و عذاب است از پستی و خفت و ذلت در عذاب است. به نظر تو کدامین الهه یا شیطان، ستم بر او را از آغاز زندگانی تا پایان آن مباح کرده است شاید هم از بدو حیاتش یا بلکه قبل از آن این ستم بوده است. (زیاده، ب، ص ۶۷).

قرن ها سپری شده است و جمعیت زنان مانند شن خیزی است بر ساحل، که مرد بر روی آن راه می رود و زیر قدمهایش او را له می کند و اثر قدمهایش را بر آن برجای می گذارد. (توفیق زیدان، ۱۹۹۶: ۳۱۴).

مرد شخصی کریم و شجاع است و قلبی حساس دارد اما من گمان می کنم (البته بعضی گمان ها گناه است) که مرد قبل از هر چیزی خودخواه است و تنها این خودخواهی اش است که باعث رذیلت هایش می شود و حق زن را می خورد و او را بنده و مطیع خود می سازد نه به این خاطر که از او بیزار است یا اینکه برای او آرزوی بدی دارد، بلکه او را دوست دارد و عاشق اوست فقط این خودخواهی اوست که باعث می شود به زن ظلم کند. (زیاده، ب، ۱۹۸۳: ۱۴۱).

مرد، پدر و برادر و دوست و یا همسر زن است، اگر آنها سقوط کنند زنان نیز با آنها سقوط می کنند. اگر اوج گیرد و مراتبش بالا رود ما نیز با آنها اوج گرفته و بزرگ می شویم برای همین هم زنان برای مردان خیر و خوبی می خواهند و در تایید دولتش تلاش می کنند به شرطی که جایگاه زنان نیز شبیه جایگاه مردان باشد. معنای این سخن آن است که آن دو به منزله دو بال یک پرنده هستند.

«می» بر این باور است که زنان بایستی در حقوق ادبی و عمرانی با مردان مساوی باشند چرا که آنها در وظائف و مسئولیت ها نیز مساوی هستند. (فتوح، ۱۹۹۴: ۱۷۹).

البته در طول تاریخ انسان هایی بوده اند که به زنان با دیده تکریم و مساوات می نگریستند. «می» چون یک مسیحی بود، می گوید اولین کسی که بر زن مهربانی کرد و با کلمات محبت آمیز با او صحبت

کرد، عیسی مسیح بود. او اولین کسی است که بین زن و مرد تساوی ایجاد کرد و برای هر دو یک مسیر واحدی قرار داد که به ثواب واحد و کیفر و عقاب واحدی منتهی می شود. سپس اسلام ظهور کرد و شان و مرتبه زن را ارتقاء بخشید. در سرزمین عرب که برای زن احترام و ارزش قائل نبودند ارزش قائل شد و او را در تمامی حقوق و واجبات با مرد مساوی قرار داد جز در شهادت و میراث - اینکه دو زن مساوی هستند با یک مرد - در غیر این دو مورد زن و مرد در تمامی حقوق مدنی با هم مساوی هستند.

زنان مسلمان حتی می توانند فقیه نیز باشند و اولین فقیه از زنان، عائشه همسر پیامبر بود که پیامبر در مورد او به قوم خود گفت: نصف دین خود را از این حمیرا بگیرید. (عواد، ۱۹۸۱: ۴۳-۴۲)

«می» معتقد است که مرد مستبد و ستمگر نیست و زن نیز سرکش و متمرد نمی باشد بلکه هر دو در کنار هم صلح و سازش دارند و هر دو در کنار هم صادقترین دوستان و وفادارترین یار و کمک هم می باشند و نرمترین راهنمایان برای هم هستند، مساوات میان زن و مرد در حقوق در نظر «می» بدعت در دین و نوآوری است و یک تعصب کورکورانه است که سرشت زن رانفی و انکار می کند و آن در نظر «می» دشمنی بر زن و مرد است چرا که افتخار و بزرگی مرد در کمال مردانگی اش است و افتخار زن در کمال زنانگی اش، همانطور که مردانگی در قدرت، نیرو، نبرد، رقابت، دفاع و حریص بودن بر پیروزی است؛ زنانگی نیز در عطوفت، مهربانی و محبت است.

و اگر احیاناً «می» گاهی طالب مساوات باشد صدایش را بر مردان بلند می کند و می گوید: ای مرد من ذلیل بودم مرا ذلیل تر کردی، مرا آزاد کن تا آزاد باشم چرا که انسان آزاد است. (الفاخوری، ۱۹۸۶: ۲۶۱).

مسأله ازدواج

ازدواج دختران کم سن و سال با مردانی که برای آنان حکم پدر را دارند سنتی است که در بسیاری از جوامع شرقی و به ویژه در کشورهای عربی رایج است و در قرن های گذشته از رواج بیشتری برخوردار بود. اوضاع نابسامان کشورهای عربی در آن دوران مزید بر علت می شد. تنگ دستی و نداری باعث می شد تا سرپرستان دختران در این امر به طمع به دست آوردن پول و ثروت و تنها با میل خود و بدون توجه به علاقه دختران جوان به ازدواج با همسالان خود آنان را همچون کالا به درهم و دینار می فروختند. و آنها نیز هیچ حق اظهار نظری در انتخاب همسر نداشتند.

در مورد مسأله ازدواج «می زیاده» معتقد است: زنان باید در انتخاب شریک زندگی شان آزاد باشند همان طور که مردان در انتخاب همسران خود آزادند. (الوادی، ۱۹۵۶: ۸۲).

وی آسیب های بعد از ازدواج را نیز مورد توجه قرار داده و بر امانت و درستی زن ازدواج کرده تاکید کرده و معتقد است: زمانی که زنی با مردی ازدواج کرد باید به شوهر خود وفادار بماند و عفت خود را حفظ نماید. (الوادی، ۱۹۵۶: ۸۲).

می آموزش شوهر داری و خانه داری را یکی از ضرورت های زندگی دختران جوان می داند و ریشه بسیاری از کاستی ها در نداشتن مهارت خانه داری می داند. وی معتقد است: دختر جوان نباید از منزل

پدری‌اش به منزل شوهر برود در حالی که از منزل شوهری چیزی جز اثاث و متاع و کالا نمی‌شناسد. (توفیق زیدان، ۱۹۹۶: ۲۴۸).

تأثیر زن در جامعه

زن امروزی می‌تواند در همه جوانب تأثیرگذار باشد با روح عاطفی و وطنی خود در فرزندان وطن تأثیر گذاشته و در برانگیختن روحیه شهامت و شرافت در وجود مردان جامعه موثر باشد. همین‌طور با بیداری بر بالای سر گهواره فرزندان‌ش و با جبران کمبودها و کاستی‌های روحی و روانی‌اش تأثیر شگرفی می‌گذارد. (زیاده، و.، ۱۹۸۰: ۵۹)

«می زیاده» مثل بسیاری از متفکران دیگر به اهمیت نقش اجتماعی زنان واقف بود، چرا که زنان نیمی از جمعیت هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهند. وی می‌گوید برای زنان در منزل و در کنفرانس‌های علمی و اقتصادی و سیاسی و در ادارات دولتی و در مجامع مختلف مکانی را اختصاص دهید. از نظر «می»، خانواده هسته جامعه است همان‌طور که زن نیز هسته خانواده می‌باشد زن پایه و اساس و ستون خانواده و روح آن است ما زنان نمی‌خواهیم که در حق مرد بی‌انصافی کنیم چرا که مرد دیوارهای خانه و سقف آن است اما دیوارها و سقف بدون اساس متین و پایه چگونه می‌تواند منسجم بوده و قوام داشته باشد. مردان می‌گویند که تمدن یعنی قصر و بنا و قانون و زراعت و صنعت و ادوات و آلات و فرهنگ و علوم و فنون و آداب و زن در هیچ کدام از این‌ها سهمی ندارد این مرد است که تولید می‌کند و ابتکار می‌کند و زن از این تولیدات استفاده می‌کند و آن را هدر می‌دهد و چه فضل برتری است برای استفاده کننده و مصرف کننده مستهلک؟!

زمانی که مرد در زمان قدیم به شکار می‌رفت و به حیوانات وحشی جنگل به منظور شکار حمله می‌کرد و دشمنان را با دفاع و حمله می‌کشت این زن بود که وسایل و اسباب و راحتی و رفاه را در آن زمان برایش میسر می‌کرد و زمانی که با غنیمت از شکار برمی‌گشت این دست زن بود که آن غنیمت را برایش تبدیل به غذا می‌کرد و زمانی که دوران وحشی‌گری و شکار و زندگی در کوه‌ها و جنگل‌ها به سر آمد و انسان در مکانی ثابت بر روی زمین مستقر و ساکن شد و مرد خود را برای ولجوج گردید. او به جنگ و شکار می‌رفت این زن بود که کشاورزی می‌کرد و دانه‌ها را می‌کاشت و محصول را درو می‌کرد و خیمه‌ها و دیوارهای خانه را برپا می‌کرد و راه‌ها را هموار می‌ساخت و شاخه‌ها و هیزم‌ها را جمع می‌کرد تا آتش برپا کند سنگ آتش زنه را درست می‌کرد تا برای مرد غذا بپزد. آیا مردان تلاش‌های اولیه زن را برای ایجاد و وضع اصول زراعت و صنعت و تجارت و بناء و ساختن شهرها و سایر علوم و فنون و صنعت‌ها نمی‌دیدند؟ و زمانی که طفل گریه می‌کرد این زن بود که سعی می‌کرد تا با آهنگ صدایش برای کودک نغمه‌سرایي کند، آیا در آن زمان به وجود آورنده موسیقی و رقص و شعر نبود. و زمانی که مرد پیروزمندانه از جنگ یا شکار برمی‌گشت و دستانش به خون دشمن یا حیوانات آلوده بود آیا این زن نبود که به مرد می‌گفت ای برادر بیا و دستانت را شست و شو کن. پس او به وجود آورنده قوانین نظافت و سلامت بود و زمانی که کودک مریض می‌شد یا مرد مجروح برمی‌گشت این زن بود

که با تجربه و آزمایش و داروهای گیاهی آنها را مداوا می کرد؛ پس این زنان قهرمان، اولین پزشکان بودند بدون آنکه لقب پزشک را حمل کنند آیا در همه اینها پایه های دانش شیمی و طب را نمی بینید؟ (توفیق زیدان، ۳۱۲).

بعد از آنکه دوران جنگ و شکار کمتر شده و آن نوع زندگی تقریباً به سر آمد و اوقات فراغت مرد بیشتر شد؛ سرپرستی کارهایی را بر عهده گرفت که پیش از این آنها را زنان انجام می دادند. آیا ذکاوت و هوش زنان را در داخل خانه نمی بینید که در ابتکار صنعت ها و فنون دیگر مانند بافندگی و ریسندگی و خیاطی و همه اینها خدمتی برای صنعت است و برای پیشرفت تمدن. زن همان کسی است که بشر را در جینی در نزدیک قلبش تغذیه می دهد و طفل را بر شانه و دوش خود حمل می کند و در جوانی و پیری و کهنسالی به او غذا می دهد و زمانی که مریض و مجروح می شود او را مداوا می کند و خانه اش را با ادوات و وسایلی که خود می سازد تزئین می کند در حالی که نمی داند که این ادوات، اساس علوم و فنون و صنایع هستند هر قدمی که مرد در مسیر پیشرفت و تمدن برداشته است زن با دو گام خود آنها را طی کرده و تلاشش بیشتر و شدیدتر از تلاش مرد و طولانی تر از آن است. آیا گمان می کنی که با همه اینها زن فریاد می زند یا از دشواری کار و از شدت ستم بر او شکوه و ناله می کند؟ او معتقد است که اگر باری را که بر دوشش گذاشته شده بر زمین بگذارد، برای هم نوع و هم جنسش خائن شمرده شده و ترسو خواهد بود، او همانند مردی است که در میدان نبرد سلاح از دستش افتاده است. او همانند سرباز دلاور مجروحی است که در سکوت و خاموشی دردش را تحمل می کند و لب به شکایت نمی گشاید. (توفیق زیدان، ۱۹۹۶: ۳۱۳-۳۱۲).

تعلیم و تربیت زن

اگر جامعه ای بخواهد اصلاح دائمی و دنباله داری داشته باشد. باید از تربیت زنان شروع کند. چرا که تعلیم و تربیت باعث می شود تا زنان انسان های درایت مند و با اراده باشند. (امین، ۱۹۷۶: ۳۳۱) می گوید: من می گویم تربیت زن و نمی گویم فرهیختگی، چرا که تربیت اصل است و فرهیختگی فرع. برای اصلاح مرد، تربیت زن لازم و واجب است و برای بیداری کامل امت ها و ملت ها وسیله دیگری غیر از تربیت زن نیست چون او همیشه در خانه و خانواده و در وطن حضور دارد و جدا از آن نیست. (توفیق زیدان، ۱۹۹۶: ۳۹۳)

تنها وسیله برای اصلاح زن، تربیت و تعلیم زن است اما تربیت در یک لحظه به دست نمی آید می زیاده بر این باور است: تربیت مانند علم است، کم کم و مرحله به مرحله کسب می شود و علم تنها رابطه بین انسان و اشیاست، گمراهی تنها در جهل است و رفعت و بلندی مقام بدون معرفت و شناخت به دست نمی آید همانا هلاک بشریت در سد درهای ادراک و حذف امکانیت تعلیم و تعلم است اما تا زمانی که انسان پیوسته از دریای معرفت و نور تغذیه می کند و می نوشد، به جلو حرکت خواهد کرد هر چند که راهها بر او پوشیده باشد. (زیاده، ب، ۱۹۸۳: ۹۱-۹۰)

زنان نیز مانند مردان مکان و جایگاهی در زیر نور خورشید دارند و وظائفی دارند که به ناچار باید

آنها را انجام دهند، زن تنها برای دوزندگی و بافندگی و خدمت خلق نشده است احتیاج به معرفت و نور دارد و به کدامین عدل و عدالت حکم می شود که در زندان جهل و نادانی باقی بماند؟ (زیاده، ب، ۱۹۸۳: ۸۵)

از نظر این نویسنده زن، تعلیم زنان یک امر واجب است که بایستی بدان اقدام شود چرا که اکثریت آنها در جهل به سر می برند. اصلاح سریع زنان واجب است تا اصلاح مرد آسان شود. آزادی زن از جهالت واجب است تا تغذیه کنندگان از شیرش برده نباشند. و نیز واجب است که پرده خزعبلات و اوهام از مقابل چشمانش برداشته شود تا مردان اطراف او که پدر، برادر، همسر، و یا پسر او هستند او را درک کنند و زن بداند که معنای زندگی بسیار عظیم است. (فتوح، ۱۹۹۴: ۱۷۹).

«می زیاده» ریشه همه بدبختی ها و عقب ماندگی های زنان را بی دانشی می داند وی دانش اندوزی و خردگرایی را برای زنان امری واجب می داند و معتقد است که نصف انسانیت به خاطر جهل زن بر باد رفته و فریاد می زند و می گوید ای زنان، درخشش دانش و تمدن سراسر جهان را فرا گرفته و انوار آن در قاره های سه گانه درخشیدن گرفته است اما احوال ما چگونه است؟ معجزات تمدن در اکتشافات بشر و علوم و فنون و اسالیب و کیفیت زندگی شان ظاهر شده است جز اینکه بدبختی همواره همان بدبختی همیشگی است و ما همچنان در اطراف خود جنگ و مرض و انحطاط اخلاقی را در انواع مختلف آن مشاهده می کنیم تمدن هرگز با تمامی واجباتش نیامده و اوضاع و احوال ما را به درستی اصلاح نکرده است مگر در برخی موارد عادی و پیش پا افتاده، و شما ای زنان علت این نقص را می دانید این ضعف شرم آور و این نقص به خاطر عقب افتادگی نصف انسانیت است و آن جهل زن است. (عواد، ۱۹۸۱: ۳۸-۳۹)

بسیاری معتقد بودند که علم برای زنان خلق نشده است چرا که علم جمال و تواضع و لطف زن را از بین می برد و او را متکبر و خشک و حقیر می سازد و اگر علم بیاموزد مردان را سخره می کند اما می بینیم زمانی که علم می آموزد جمال او زیاده تر می شود و به خانواده احترام بیشتری می گذارد و مرد را گرمی می دارد چرا که او با علم معنای زندگی را می فهمد و با تمام توان، پیشرفت روح و روان خود را می خواهد و با بالا رفتن مدارج علمی اش، تربیت شخصیتش را می خواهد. زن پیشرفته می داند که برای او همین افتخار بزرگی است که مادری به تمام معنای کلمه باشد. و نیز می داند که با فراگیری علم می تواند مادر روح و روان و عواطف و امیال و افکار فرزندان باشد و تنها مادر جسمی نیست که وظیفه به دنیا آوردن و شیر دادن را بر عهده داشته باشد. (عواد، ۱۹۸۱: ۴۷)

بحث و نتیجه گیری

جنبش زنان در کشورهای عربی مدیون انسان هایی است که قلم به دست گرفته و در مقابل ارتجاع و کوفته فکری مقاومت کردند و در این راه تمامی ناملایمات را به جان خریدند تا آنجا که متهم به کفر نیز شدند. اما هرگز از ادامه راه روشنفکری و روشنگری پا پس نکشیدند. هر چند که در این راه عده ای راه افراط و عده ای راه تفریط در پیش گرفتند. در این جنبش ها خود زنان نیز نقش چشمگیری داشتند.

«می زیاده» یکی از این زنان است که در کنار سائر زنان روشنفکر عصر خویش زمینه جنبش زنان عربی را فراهم آوردند. وی در بسیاری از مسائل مربوط به زنان ایده های ارزنده ای طرح کرده است. به نظر می رسد که «می زیاده» نقش زنان در تربیت فرزندان را بسیار چشمگیر می داند و بی مبالاتی را در این زمینه قابل توجه نمی داند.

با بررسی آثار می زیاده این مسأله مشخص شد که بر خلاف برخی از روشنفکران عرب، «می زیاده» در باره مسأله حجاب راه اعتدال را طی کرده و طرز پوشش غربی را مناسب زنان عربی نمی داند. و در بحث آزادی زن نیز وی خروج از حدود عقل و منطق را قبول نداشته و به نوعی به اعتدال معتقد است. «می زیاده» مهمترین آزادی را آزادی از دست جهالت می داند و برای رسیدن به این مهم ابتدا باید مردان را از دست جهالت نجات داد. به نظر می رسد که این امر نوعی ریشه یابی برخی عقب ماندگی های اجتماعی است که می زیاده هوشمندانه روی آن انگشت گذاشته و جهالت خود ساخته را یکی از اساسی ترین مشکلات می داند.

برابری حقوق زن و مرد از دیگر موضوعاتی بوده که مورد توجه «می زیاده» بوده است، می توان گفت که ریشه اجحاف به زنان در مردان است. و تا زمانی که مردان منصف نباشند زنان نیز نمی تواند به حقوق منطقی خود برسند. ابتدا باید مردان دست از ظلم به زنان بردارند و به این درک برسند که زن و مرد باهم دو بال یک پرند اند و اینجاست که هیچ کدام از آنها بدون کمک دیگری توان پریدن به اوج را نخواهند داشت.

در جوامع سنتی افراطی، تحجر می تواند در تمامی مسائل نمود داشته باشد، سلب حق انتخاب شریک زندگی یکی از آنهاست. آنچه از افکار «می زیاده» در مورد مسأله ازدواج استنباط شد این است که وی در مسأله ازدواج شدیداً به تعانس سنی قائل بوده و حق انتخاب همسر را حق مسلم دختران جوان می داند و سلب این حق را محکوم می کند.

از جمله مسائلی که در جنبش زنان مورد توجه بوده مسأله آموزش زنان است. چرا که انسان تحصیل کرده و آگاه ظلم و استبداد را بر نمی تابد و بر حق و حقوق و وظائف خود واقف است. می توان گفت که آموزش زنان یکی از دغدغه های مهم «می زیاده» است زنان تحصیل کرده می توانند در تربیت فرزندان نقش های گوناگونی را ایفا نمایند در صورتی که مادران بی سواد عمدتاً از جنبه جسمی و مادی می تواند فرزندان خود را پرورش دهند.

منابع

- الفاخوری، حنا، (۱۹۸۶)، الجامع فی التاريخ الادب العربی (الادب الحديث)، دار الجیل، بیروت، ط. الاولى.
- الطهطاوی، رفاعه، (۱۹۷۳)، الاعمال الكاملة، محمد عاروی، المؤسسة العربیة، بیروت.
- الوادى، هبة، (۱۹۵۶)، می زیاده بین ادبیات العرب قديماً و حديثاً، پایان نامه ارشد دانشگاه آمریکایی بیروت، فریران.
- امین، قاسم، بی تا (فاقد سال)، الاعمال الكاملة، تحقیق محمد عماره، دار الشروق، مصر.
- امین، قاسم، (۱۹۷۶)، تحرير المرأة، دراسة و تحقیق محمد عماره، المؤسسة العربیة، بیروت.
- امین، قاسم، (۱۹۷۶)، المرأة الجديدة، دراسة و تحقیق محمد عماره، المؤسسة العربیة، بیروت.
- پاملا، اوت و والاس، کلر، (۱۳۸۰)، جامعه شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، نشر نی، تهران.
- پزشکی، محمد، (۱۳۸۴)، صورت بندی زنان در جهان اسلام، فصلنامه کتاب زنان ش ۳۰، سال هشتم.
- توفیق زیدان، جوزیف، (۱۹۹۶)، الاعمال المجهولة لمی زیاده، منشورات المجمع الثقافی، ط. الاولى.
- زیاده، می، (۱۹۱۳)، سوانح فتاة، موسسه نوفل، بیروت.
- زیاده، می، (۱۹۸۰)، وردة اليازجی، موسسه نوفل، بیروت، ط. الثانية.
- زیاده، می، (۱۹۸۳)، عائشة تیمور، بیروت. لبنان، موسسه نوفل، م، ط. الثانية.
- زیاده، می، (۱۹۸۳)، باحثه البادية، بیروت. لبنان، موسسه نوفل، م، ط. الثانية.
- زیاده، می، (۱۹۸۳)، کلمات و اشارات، بیروت، ج ۲، بیروت، موسسه نوفل، م.
- عبده، محمد، (۱۹۷۲)، الاعمال الكاملة، دراسة و تحقیق محمد عماره، المؤسسة العربیة، بیروت.
- عزالدين، يوسف، (۱۹۶۰)، الشعر العراقي الحديث و التيارات السياسية و الاجتماعية، دار المعارف، مصر.
- عواد، سیمون، (۱۹۸۱)، من ادب می زیاده، دار عواد للطباعة و النشر، م.
- فتوح، عیسی، (۱۹۹۴)، ادبیات عربیات، منشورات جمعیه الندوة الثقافیة التائیة، دمشق، ط. الاولى.
- نیازی، شهریار و همکاران، (۱۳۸۶)، زن در شعر جمیل صدقی زهاوی، مجله پژوهش زنان، دوره ۵ شماره ۱.
- یاسین، بوعلی، (۱۹۹۸)، حقوق المرأة فی الكتابة العربیة منذ عصر النهضة، دار الطلیعة الجديدة، دمشق.

Woman in View of Mey Ziyade

* R. Rezaei

** E. Amiri

** Z. Kazemi

Abstract

Most portions of the Arab societies' modern developments are due to intellectuals and sages who have been living during recent centuries. As regard to the attained information and knowledge on social problems of European and Western world, they tried to apply such paradigms while involving themselves within their local traditional and religious societies. One example of such social problematic was the women agenda and their demands. There had been poets and writers among Arab intellectuals. Women were part of many such people. What had been the most significant in such conditions was that the woman question to be raised and discussed by a woman. Who could be a distinguished person that could explain women's problems except "Mey Ziyadat" due to her reputation for a moderate stand? Mey Ziyade" was a social reformer woman who considered woman as a "real woman". This article reviewed "Mey Ziyade's" points of view about woman by using content analysis.

Keywords: Mey Ziyade , Contemporary literature , Woman , Arab Culture

* Assistant Professor of Arab Language and Literature Faculty, Islamic Azad University, Tabriz branch, Iran (Corresponding author)

** Arab Language and Literature Faculty, Islamic Azad University, Tabriz branch, Iran